

سخن دل

ما هنوز شورایی زیستن را در عمل نپذیرفته ایم ، گاهی ژست "شوراگرایی" را به خود می‌گیریم ولی واقع امر آن است که آن را در عمل قبول نداریم ، بلکه تنها دیدگاه خودمان را قبول داریم و این سرمنشا همه تناقضات عمیق در جوامع است . بحث و گفت و گو را دوست نداریم ؛ پافشاری بر قبولاندن نظر خودمان می‌کنیم و بر این اساس کمتر به اهداف اجتماعی مان دسترسی می‌یابیم . در عالم پذیرش دیگران نیستیم ، درصدد قبولاندن خودمان هستیم .

بایستی نگاه مان را از سوی خود به جامعه برگردانیم و برای دیگران هم حق قائل شویم تا بتوانیم به جمع بپیوندیم . هزاران سال از زندگی اجتماعی بشر می‌گذرد ، اگر تاریخ را مطالعه کنیم همواره شاهد سلطه فکر و اندیشه گروهی خاص بر جوامع خواهیم بود و جوامع نیز به این شیوه خو گرفته اند . آزادی و استفاده صحیح از آن را نه می‌شناسیم و نه تجربه کرده ایم . همواره حق از آن مدعیان فرمانروایی بوده است و برای خود حقی نیافته ایم . بدین جهت نیز همیشه ناراضی بوده ایم . حال می‌خواهیم از حقوق انسانی و نعمت های خدا داد خود بهره مند شویم ؛ چه باید بکنیم و چگونه این راه طولانی را شروع کنیم ؟

از خود شروع کنیم و از موانع نهراسیم ؛ اولین مانع در ادامه راه ، حضور مدعیان برتری از دیگران است که به منظور ممانعت از حرکت های آزادی بخش ، چماق تکفیر برداشته و بر آزادی خواهان فرود می‌آورند . دومین مانع این است که ما آزاد اندیشی را تمرین نکرده ایم و یا نگذاشته اند تمرین کنیم . ولی فراموش نکنیم که این قبیل موانع و هزاران مانع رنگارنگ در همه جا رخ می‌نمایند .

" حوصله و ممارست " دو ویژگی لازمه موفقیت است ، پرهیز از شتاب زدگی و پذیرش تدریجی در امور و یا به اصطلاح معمول ، حرک گام به گام نیز بایستی به راهکارها افزوده گردد .

هرگاه مطالبات و پیگیری ها شتاب زده و یک شبه باشند هرگز به جایی نخواهند رسید .

فرهنگ سازی ، زمینه پیشرفت هر فکر صحیح است . شفافیت در طرح موضوعات ، بر توفیقات می‌افزاید . مطالباتی که طی زمانی طولانی انباشته شده اند ، بایستی به تدریج برطرف گردند . طرح چند موضوع

با هم ، می تواند موجب نابه سامانی شود .

نگاه ها بایستی تغییر یابند . نگاه های منفی خسارت بار است . نگاه ها را بایستی به سوی موجودی ها نه کاستی ها انداخت و از موجودی ها بهره گرفت و به تدریج آن را توسعه داد . بدبینی بلای عظیم جوامع است ، به جای آن اعتمادسازی بستر مناسب پیشرفت و تعالی بشر را فراهم می آورد . استفاده از توانایی ها ، عامل خیر و برکت است ، در حالی که در برابر این اندیشه ، هستند نگاه هایی که تنها به ضعف ها و ناتوانی ها می نگرند . از به هم پیوستن توانایی ها ، سازندگی ها شروع می شود .

جامعه ای که تصمیم دارد زنده بماند و به راه پر تکاپوی خود تداوم بخشد باید نگاه های خود را عوض کند . از خود خواهی ها بکاهد ، دست ها را به هم زنجیر کند و از دانایی های سایر آحاد جامعه بهره بگیرد . صاحبان اندیشه و مورد وثوق را فرصت دهیم تا وارد صحنه شوند و حلقه های تنگ را بگشاییم و وسعت بخشیم . به حرف ها جامعه عمل بپوشانیم و زمینه های " مشارکت ملی " را فراهم آوریم ؛ بی تردید در فضایی که این چنین رقم خواهد خورد همه ناظر شکوفایی بسیار خواهند بود